

بررسی وضعیت اشتغال زنان استان مازندران در بخش صنایع دستی (منطقه‌ی شاخص: شهرستان ساری)

مصطفی رستمی*

چکیده

با توجه به جایگاه صنایع دستی به عنوان دومین عامل رشد و توسعه‌ی تولید ناخالص ملی و نیز در کنار صنعت گردشگری به عنوان مهمترین منبع رشد اقتصاد جهانی، نقش زنان شاغل در این حوزه چه در سطح جهانی و چه در سطح کشور و به تبع آن در سطح استان مازندران، بسیار درخور توجه است. اگر گفته شود بیش از نیمی از ۱۵۰ نوع رشته‌ی صنایع دستی در کشور از طرف زنان فعال است و در برخی از آنان نقش مبدع و پیشکسوت را ایفا می‌کنند، سخن گزافی نیست.

اما به راستی با عنایت به چنین نقش و جایگاه شایسته‌ی جمعیت زنان شاغل در بخش صنایع دستی - به ویژه در استان مازندران - وضعیت کیفی و کمی اشتغال آنان در مقایسه با مردان چگونه و در چه سطحی است؟ تحصیلات، موقعیت‌های اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی چه تأثیری در کیفیت حضور زنان در این بخش دارد؟

در این مقال وضعیت کیفی و کمی اشتغال زنان استان مازندران در بخش صنایع دستی در گذشته و حال، در مقایسه با مردان و در محدوده‌ی منطقه‌ی شاخص شهرستان ساری، به منظور سیاستگذاری‌های کلان توسعه در آینده با استفاده از آمارهای مأخوذه از سازمان‌های ذی‌ربط مورد بررسی و تحلیل قرار گرفته است.

واژه‌های کلیدی:

اشتغال، تسهیلات ایجاد اشتغال، سن، تحصیل، کیفیت اشتغال

* عضو هیأت علمی دانشکده هنر و معماری دانشگاه مازندران

مقدمه

اگرچه در تعریف، صنایع دستی به تمامی هنرهای تزئینی و کاربردی اطلاق می‌گردد که صرفاً با کمک دست و مواد و مصالح موجود طبیعت و بدون بهره‌مندی از ماشین خلق می‌شوند، در ذات خود باید دارای پویایی و جاودانگی فرهنگی و هنری و نیز افسون اثرگذاری در روح مخاطب باشد، به گونه‌ای که انسان را به چالش، تفکر و تحرک درونی وادارد و با روان او رابطه‌ای صمیمانه برقرار کند.

برهمن اساس در طول تاریخ، صنایع دستی با الهام از روح لطیف و ذوق شیرین هنرمندان مبتکر به صورت آثاری زیبا و جاودانه پدید آمده است. آثاری که همواره در شرایط سخت اجتماعی و سیاسی و حتی به هنگام هجوم و سلطه‌ی بیگانگان توانسته است به علت ویژگی‌های خاص تولید و مخاطب‌پذیری خود و علاقه‌ی بیشتر مردم دنیا، عزیز و از هرگونه تعرض مصون مانده باشد و به حیات، استقلال، عشق و هدف خود ادامه دهد.

از هنگامی که بشر پای بر هستی نهاده، زنان در همه‌ی عرصه‌های زندگی همچون اقتصاد، سیاست، دین و فرهنگ و هنر، پا به پای مردان نقشی حیاتی و خلاق ایفا کرده، در جای‌جای تمدن بشری نشانه‌های سازنده‌ی خویش را بر تارک زمان حک کرده‌اند و درخشش ماندگاری را هم اکنون در گنجینه‌های بزرگ دنیا در قالب آثار بازمانده از عصر ماقبل تاریخ، تاریخ و زمان متأخر به نمایش گذاشته‌اند.

از جمله‌ی این نقش‌های هدایت‌گرانه، حضور زنان در تمامی عرصه‌های هنر و اصیل‌تر از آن صنایع دستی - که از جمله مصادیق اساس آفرینش تمدن بشری است می‌باشد.

نظر به مشکلات مبتلا به صنایع دستی که در سطح ملی به چشم می‌خورد، رگه‌های نوسان آن، مناطق مختلف کشور را تحت تأثیر خود قرار می‌دهد. استان مازندران با داشتن منابع و استعدادهای سرشار طبیعی و انسانی، بستر بسیار ارزنده‌ای برای توسعه‌ی صنایع دستی در سطح ملی است، اما به دلایل مختلف که بخش عظیمی از آن متأثر از نظام غیرمنسجم و غیرعلمی مدیریت کلان کشور است، از تنزل کمی و کیفی محصولات صنایع دستی رنج بسیاری تحمل می‌کند. اگرچه در سال‌های اخیر حرکت‌های مثبتی در زمینه‌ی آموزش و ترویج صنایع دستی در میان اقشار مختلف جامعه و نیز

ارائه‌ی تسهیلات مالی به کارآفرینان این بخش به عمل آمده، این مقدار چندان نیست که بتوان توسعه‌ی همه جانبه‌ای را در رقابت با بازار جهانی صنایع دستی فراهم آورد.

هدف از این مقاله بررسی وضعیت کمی و کیفی اشتغال زنان استان مازندران در بخش صنایع دستی، در مقایسه با مردان، از جنبه‌های مختلف آماری شامل تعداد شاغلین، سن، تحصیل، میزان بهره‌مندی از تسهیلات ایجاد اشتغال، کیفیت اشتغال، درآمد و مشکلات موجود، به منظور سیاستگذاری‌های کلان توسعه در آینده، با استفاده از پالایش و تحلیل آمارهای مأخوذه از پنج اداره کل (که به نوعی در ارتباط با مقوله‌ی صنایع دستی می‌باشند) شامل: اداره کل کار و امور اجتماعی، اداره صنایع دستی، سازمان جهاد کشاورزی، اداره کل کمیته‌ی امداد امام خمینی (ره) و اداره کل بهزیستی است.

طرح مسأله

نگاهی به آمارهای ارائه شده‌ی کشور در سه دهه‌ی گذشته، نشان می‌دهد که به دلیل وجود موانع اجتماعی، همچون: بی‌سوادی و پایین بودن سطح سواد و تبعیض جنسیتی، قانونی نظیر: قوانین ناظر بر خانواده و قوانین مربوط به اشتغال زنان، اقتصادی، مانند: رکود و رونق اقتصادی، مهاجرت از روستا به شهر، اعتقاد به غیراقتصادی بودن نقش زنان، کم‌تنوعی فرصت‌های شغلی و بالا بودن هزینه‌ی نیروی کار زنان برای کارفرمایان و محدودیت‌های فرهنگی و سنتی، سهم مشارکت زنان در اشتغال و بازار کار بسیار کمتر از مردان است.

براساس سرشماری سال ۱۳۵۵ در کل کشور ۹۰/۹ درصد از مردان فعال شاغل و ۹/۱ درصد بی‌کار بوده‌اند که این نسبت به ترتیب در سال ۱۳۶۵ به ۸۷/۱ و ۱۲/۹ درصد و در سال ۱۳۷۵ به ۹۱/۵ و ۸/۵ درصد رسیده است. اما در گروه زنان در سال ۱۳۵۵، ۸۲/۶ درصد از زنان فعال شاغل و ۱۶/۴ درصد بی‌کار بوده‌اند که این نسبت به ترتیب در سال ۱۳۶۵ به ۷۴/۶ و ۲۵/۴ درصد و در سال ۱۳۷۵ به ۸۶/۷ و ۱۳/۳ درصد رسیده است.^(۱)

چنانچه نسبت زنان شاغل را به کل شاغلین در سالهای ۱۳۵۴، ۱۳۵۵، ۱۳۶۵ و ۱۳۷۵ در نظر بگیریم، سهم زنان در این سالها در بازارکار به ترتیب ۱۲/۲ درصد، ۱۳/۸ درصد، ۹ درصد و ۱۳/۱ درصد بوده است. ملاحظه می‌شود سهم زنان شاغل در سال ۱۳۷۵ نسبت به سال ۱۳۴۵، فقط ۱ درصد افزایش یافته است که تغییر زیادی در سهم اشتغال زنان محسوب نمی‌شود.^(۲)

کاهش سهم زنان در اشتغال با مقایسه‌ی میزان مشارکت نیروی کار مردان با زنان که نشان‌دهنده‌ی میزان مشارکت جمعیت واقع در سن فعالیت در فعالیتهای اقتصادی از طریق بازار کار است در سال ۱۳۸۰ محسوس‌تر می‌نماید. در حالی که این شاخص برای مردان در سال ۱۳۸۰ برابر با ۶۲/۱ درصد بوده، زنان از میزان مشارکت ۱۱/۸ درصدی برخوردار بوده‌اند. به عبارت دیگر مردان در این سال حدود ۵/۳ برابر بیشتر از زنان در بازار کار حضور داشته‌اند.^(۳)

آمارها نشان می‌دهد علاوه بر قلت سهم مشارکت اقتصادی زنان در سطح کشور متأسفانه در بین کشورهای در حال توسعه، کشور ما کمترین میزان مشارکت اقتصادی زنان را دارد. بنابر همین آمارها در پایان سال ۲۰۰۰ میلادی در میان کشورهای در حال توسعه، بالاترین میزان مشارکت اقتصادی زنان در کشور آنگولا (با ۶۶/۹ درصد) و پایین‌ترین این میزان در کشور ایران (با ۱۰/۶ درصد) مشاهده می‌شود. این در حالی است که زنان در کشورهای صنعتی اروپا و آمریکا حضور گسترده‌تری در فعالیتهای اقتصادی - اجتماعی دارند، به طوری که کانادا با ۵۹/۵ درصد بالاترین و ایتالیا با ۳۵/۹ درصد پایین‌ترین میزان مشارکت اقتصادی زنان را دارا می‌باشند. همچنین میزان فعالیتهای اقتصادی زنان در کشور ما نسبت به کشورهای همسایه و منطقه نظیر پاکستان و سوریه نیز در سطح پایین‌تری قرار دارد.^(۴)

به هر حال زنان در کشورهای در حال توسعه به علت فقر اقتصادی و فرهنگی نتوانسته‌اند به قدر کافی وارد بازار کار شوند.

ناگفته نماند با تلاش‌هایی که از سوی دولت و سازمان‌های ذی‌ربط به عمل آمده، از سال ۱۹۹۶ تاکنون میزان فعالیت زنان در ایران رو به افزایش بوده است. عواملی از قبیل کاهش بُعد خانوار، بالارفتن هزینه‌ی سرانه‌ی خانوار، بالا رفتن سن ازدواج،

گرایش مشارکت اجتماعی بیشتر زنان بر میزان مشارکت اقتصادی زنان در سال‌های اخیر تأثیر داشته است.^(۵)

نکته‌ای که در میان آمارهای ارائه شده در پایان سال ۲۰۰۰ میلادی جالب به نظر می‌رسد، آن است که بالاترین میزان اشتغال زنان در بخش صنعت در کشورهای در حال توسعه مربوط به ایران و مالزی (به ترتیب ۳۴/۵ و ۲۸/۹ درصد) می‌باشد و مهم‌تر آن که براساس همین آمارها زنان شاغل در گروه صنعتگران و کارکنان مشاغل مربوط به عنوان یکی از گروه‌های عمده‌ی شغلی دسته‌بندی شده در ایران با ۳۱/۷ درصد بالاترین میزان را در بین کشورهای در حال توسعه دارد که این تعداد بیشتر به صنایع دستی به ویژه صنعت فرش اختصاص دارد.^(۶)

بررسی ساختار سنی زنان فعال در کشور نشان می‌دهد که بالاترین میزان فعالیت زنان در گروه سنی ۲۵-۲۹ ساله مشاهده می‌شود، با ۱۴/۱ درصد که این رقم در بین کشورهای در حال توسعه در پایین‌ترین سطح میزان فعالیت می‌باشد. به طوری که بیشترین میزان فعالیت اقتصادی زنان در گروه سنی ۱۵-۱۹ ساله به کشور زیمبابوه با ۳۶/۸ درصد، گروه سنی ۲۰-۲۴ ساله و ۲۵-۲۹ ساله به کشور سنگاپور با ۷۸/۷ درصد و ۸۴/۹ درصد تعلق دارد. همچنین زیمبابوه بیشترین میزان فعالیت زنان در گروه سنی ۳۰-۳۴ ساله و بالاتر را در میان کشورهای مذکور داراست.^(۷)

به نظر می‌رسد روی آوردن بیشتر زنان به تحصیلات عالی، عاملی جهت به تعویق انداختن مشارکت اقتصادی زنان ۲۵-۲۹ ساله در ایران باشد. تا قبل از دهه‌ی ۱۳۷۰ حضور زنان با سواد در بازار کار آهنگ متوازنی نسبت به مردان نداشته است. اما با افزایش زنان تحصیل کرده به ویژه از ۱۳۷۰ به بعد میزان مشارکت زنان در بازار کار آهنگ پر رقابتی نسبت به مردان به وجود آورده است.^(۸) این تحول در بخش صنعت و به ویژه صنایع دستی و صنعت فرش که بیشترین درصد حضور زنان در فعالیت‌های صنعتی را به خود اختصاص داده، نقش پررنگ‌تر و مؤثری داشته است.

با توجه به آمارها و مستندات فوق، نقش زنان ایران در مشارکت اقتصادی و اشتغال در مقایسه با دیگر کشورها به منظور بهره‌مندی از قابلیت‌های بالقوه‌ی آنان و در نتیجه افزایش آهنگ توسعه‌ی کلان اقتصادی کشور نیاز به بررسی، فن‌شناسی و آسیب‌شناسی بیشتری دارد. حال که بخش اعظم جمعیت زنان ایرانی در بخش صنعت مربوط به

صنایع دستی و صنعت فرش فعال می‌باشند، بررسی وضعیت کمی و کیفی اشتغال این قشر درآمدزا در مقایسه با مردان، از جنبه‌های مختلف آماری شامل تعداد شاغلین، سن، تحصیل، میزان بهره‌مندی از تسهیلات اشتغال، کیفیت اشتغال، درآمد و مشکلات موجود، در محدوده‌ی جغرافیایی خاص مانند استان مازندران می‌تواند ما را در جهت فن‌شناسی و آسیب‌شناسی وضعیت اشتغال زنان در این بخش به منظور سیاستگذاری و برنامه‌ریزی‌های کلان توسعه‌ی اقتصادی در آینده یاری رساند. به همین منظور در این مقال با بهره‌گیری از پالایش و تحلیل آمارهای مأخوذه از پنج اداره کل استان مازندران که به نوعی در ارتباط با مقوله‌ی اشتغال در بخش صنایع دستی می‌باشند، وضعیت اشتغال زنان در این بخش در طی دو دوره که دوره‌ی اول مربوط به سال‌های ۱۳۷۵-۱۳۸۰ و دوره‌ی دوم مربوط به سال ۱۳۸۱ می‌باشد در قالب جداول و نمودارهای تحلیلی مورد بررسی و استنتاج قرار می‌گیرد.

جایگاه صنایع دستی در توسعه‌ی اقتصادی و فرهنگی

صنایع دستی به دلیل سابقه‌ی چندین هزار ساله در ایران و تنوع رشته‌های مختلف از دیرباز یکی از حرفه‌های مهم ایرانیان به شمار می‌رود و بالاترین میزان اشتغال را در کشور به خود اختصاص داده است.

در سال‌های اخیر بررسی روند صادرات غیرنفتی نشان می‌دهد که سالانه از محل صادرات صنایع دستی و فرش، بیش از نیم میلیارد دلار ارز عاید کشور شده است. این در حالی است که آمارهای رسمی تجارت جهانی صنایع دستی بالغ بر چهار میلیارد دلار بوده است. از نظر میزان اشتغال در صنایع دستی، ایران پس از چین و هند، رتبه‌ی سوم جهانی را دارد. همچنین کشور ما از نظر تنوع رشته‌های صنایع دستی که حدود ۱۵۰ نوع آن شناسایی شده است، رتبه‌ی نخست و از نظر حجم تولیدات صنایع دستی مقام سوم جهان را دارا می‌باشد، اما از نظر میزان صادرات در رتبه‌ی بسیار پایین قرار دارد.^(۹)

از نظر جمعیت شاغل در این بخش هم اکنون حدود ده میلیون نفر به طور مستقیم و غیرمستقیم در صنایع دستی مشغول فعالیت می‌باشند و در صورت تقویت این رشته می‌تواند سالانه تا صد هزار شغل ایجاد کند.

از لحاظ سهم صنایع دستی در تولید ناخالص ملی کشور باید گفت که بیشترین میزان، یعنی سه درصد، به این بخش تعلق دارد. این در حالی است که سهم صنعت خودرو در تولید ناخالص ملی با چندین سال سرمایه‌گذاری، ۲/۵ درصد و سهم پتروشیمی تنها دو درصد است.^(۱۰)

آمارهای مذکور نشان‌می‌دهد که جایگاه و نقش صنایع دستی در توسعه‌ی اقتصادی کشور و جهان در سطح بالایی قرار دارد و علیرغم کم توجهی به تقویت و توسعه‌ی این رشته، هنوز رتبه‌ی نخست تولید ناخالص ملی کشور را به خود اختصاص داده است و چنانچه این رشته را در کنار صنعت گردشگری قرار دهیم، جایگاه آن افزایش چشمگیری خواهد یافت.

متأسفانه در سال‌های اخیر به دلیل ضعف بنگاه‌های اقتصادی، بخش خصوصی و تعاونی، ناکارآمدی سازمان‌های متولی تولید در سیاستگذاری و حمایت از صنایع دستی، اطلاع‌رسانی ناقص از بازارهای جهانی، عدم حضور چشمگیر جهانگردان خارجی، ناآشنایی تولیدکنندگان و بنگاه‌های بخش خصوصی و تعاونی با فرایند صادرات و عدم اطلاع کافی از ذائقه‌ها و سلیقه‌های مصرف‌کنندگان، موجب کاهش شدید صادرات صنایع دستی کشور شده است. در سال‌های اخیر با وجود توجه بسیاری از کشورها به هنرهای ملی، به علت تعدد مراکز دولتی و عمومی در حوزه‌ی صنایع دستی، نبودن هماهنگی لازم برای سیاستگذاری و برنامه‌ریزی، نبودن سرمایه‌گذاری مناسب و تسهیلات بانکی در این زمینه و نبودن قوانین و مقرراتی که حمایت بیشتری از صنعتگران و تشویق صنایع دستی را فراهم آورده باشد، موجب شده این صنعت کهن و سودآور، دچار مشکلات و تنگناهای فراوانی شود. با وجود این که سرانه‌ی هزینه‌ی سرمایه‌گذاری برای ایجاد اشتغال در بخش صنایع دستی حدود متوسط $\frac{1}{10}$ بخش صنعت است، اما تاکنون در این زمینه سرمایه‌گذاری جدی صورت نگرفته است.

نکته‌ی درخور توجه این که معمولاً سودآوری بخش صنایع دستی با توسعه‌ی صنعت گردشگری رابطه‌ی تنگاتنگ و مستقیم دارد و در بسیاری موارد این دو بخش، مکمل هم در توسعه‌ی اقتصاد جهانی هستند. مثلاً هر چه صنعت گردشگری به رشد قابل توجهی برسد، بی‌تردید درآمد حاصل از فروش محصولات صنایع دستی به همان نسبت رشد خوبی خواهد داشت.

شایسته‌ی ذکر است که ۱۰/۵ درصد از اشتغال دنیا در صنعت گردشگری متمرکز شده است. این عدد نشان می‌دهد که سهم گردشگری در اقتصاد جهانی رشد قابل توجهی داشته است و تقریباً در بعضی از کشورها به ویژه کشورهای توسعه یافته سودآورترین منبع اقتصادی محسوب می‌شود. طبق پیش بینی کارشناسان بین‌المللی ذی‌ربط تا سال ۲۰۲۰ میلادی تعداد جهانگردان جهان به ۱/۶ میلیارد نفر افزایش خواهد یافت و این بخش به بزرگترین حوزه‌ی تجارت بین‌المللی تبدیل خواهد شد. براساس آمار سال ۲۰۰۰ میلادی تعداد جهانگردان جهان حدود ۷۰۰ میلیون نفر بوده است. در این آمار سهم ایران حدود ۱/۵ میلیون نفر جهانگرد بوده و به همین نسبت هم میزان فروش محصولات صنایع دستی در کشور در مقایسه با دیگرکشورها بسیار اندک بوده است.^(۱۱)

علاوه بر جایگاه اقتصادی صنایع دستی، نقش فرهنگی آن در توسعه‌ی جهانی بسیار در خور توجه است. مهمترین پیام صنایع دستی و یا صنعت گردشگری، تعامل و تبادل فرهنگها و به عبارتی تحقق گفت و گوی فرهنگهاست. یافتن مشترکات اجتماعی و فرهنگی، آشنایی با نوع ساختارها و روابط اجتماعی، آداب و رسوم اجتماعی و فرهنگی، قابلیت‌های علمی، صنعتی و هنری، مردم شناسی و شناخت خرده فرهنگها و هنرهای سنتی و... از جمله‌ی این نوع گفت و گوی ماندگار است.

چشم‌اندازی بر صنایع دستی استان مازندران

استان مازندران هم اکنون با بیش از ۶۰ رشته‌ی صنایع دستی، دارای تنوع تولید و محصولات قابل عرضه به بازارهای داخلی و خارجی است که طبق آمار سازمان‌های ذی‌ربط استان حدود ۸۵ درصد از شاغلین و تولیدکنندگان این آثار را زنان تشکیل می‌دهند، تقریباً در همه‌ی شهرها و روستاهای این استان فعالیت تولید محصولات صنایع‌دستی در قالب‌های خانگی و کارگاهی رواج دارد و عمده‌ترین شهرها و روستاهایی که از نظر کمیّت، کیفیت و تنوع تولید و محصولات صنایع دستی شاخص هستند، عبارتند از: ساری، یابل، آمل، نوشهر، نور، چالوس، تنکابن، رامسر، بهشهر و سوادکوه. در میان فهرست رشته‌های صنایع دستی فعّال در این استان، برخی رشته‌ها دارای قدمت و اصالت تاریخی و فرهنگی بیشتری می‌باشند و با زندگی و فرهنگ مازندران

الفت بیشتری یافته‌اند. این رشته‌ها عبارتند از: جاجیم بافی، شمد بافی، چادرشب بافی، گلیم و گلیمچه بافی، نمد مالی، سوزن‌دوزی، گل‌دوزی، حصیربافی، سبببافی، مروارید بافی، کنده‌کاری چوب، مَنبِت چوب، گره چینی و سفالگری.

به دلیل پراکندگی رسیدگی به امور صنایع دستی، آمار دقیقی از تعداد هنرمندان و تولیدکنندگان در بخش صنایع دستی موجود نیست، ولی روشن است که هزاران نفر از طریق تولید و عرضه‌ی این محصولات معاش خود را تأمین می‌کنند. کشورهای حوزه‌ی دریای مازندران از علاقه‌مندان به محصولات صنایع دستی استان مازندران هستند. بدیهی است با بهینه‌سازی شرایط تولید و عرضه‌ی این محصولات و سرمایه‌گذاری در این بخش می‌توان امکان رقابت بیشتر و حضور مؤثر در بازارهای داخلی و خارجی را فراهم آورد.

وضعیت اشتغال زنان استان مازندران در بخش صنایع دستی در منطقه‌ی شاخص شهرستان ساری

به دلیل پراکندگی و عدم انسجام آمارها و نیز تعدد سازمان‌های ذی‌ربط و ناهماهنگی آماری میان آنان و عدم تطابق شاخص‌های آماری هر سازمان با دیگری، حجم فراوان آمارها و عدم یکپارچگی در اهداف و وظایف سازمان‌ها در خصوص صنایع دستی استان، سبب گردیده تا به منظور دستیابی به دقت، سرعت و انسجام بیشتر در تهیه و سپس پالایش و تحلیل آن‌ها براساس شاخص‌های در نظر گرفته شده در این مقاله، مرکز استان به عنوان منطقه‌ی شاخص و الگو انتخاب و کار تهیه، تمرکز و تحلیل آمارها براساس داده‌های پراکنده‌ی سازمان‌ها که برخی نیز به دلیل اطلاعات ناکافی و بسیار اندک قابلیت تحلیل کمتری داشته‌اند، صورت پذیرفته است. نتایج حاصل از تحلیل آمارها که در قالب چهار نمودار و پنج جدول کمی و کیفی تنظیم گردیده است، ما را با وضعیت نسبی اشتغال زنان در مقایسه با مردان در بخش صنایع دستی از جنبه‌های مختلف، به منظور برنامه‌ریزی و سیاستگذاری‌های کلان آتی، آشنا می‌کند.

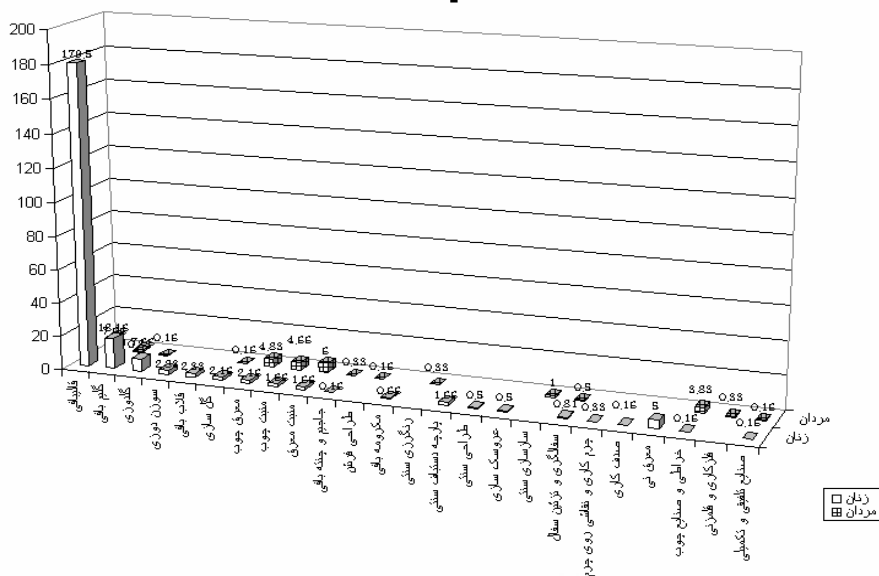
به منظور نتیجه‌گیری مطلوب‌تر، این آمارها در قالب دو دوره‌ی زمانی مورد تحلیل قرار گرفته‌اند: دوره‌ی اول از سال ۱۳۷۵ تا ۱۳۸۰ و دوره‌ی دوم که زمان جدید

محسوب می‌شود، نیمه‌ی نخست سال ۱۳۸۱ است، که البته به دلیل موجود نبودن آمارهای دوره‌ی اخیر در برخی سازمان‌ها، نتیجه‌ی روشنی از وضعیت سال مذکور مربوط به همان سازمان‌ها حاصل نشده است.

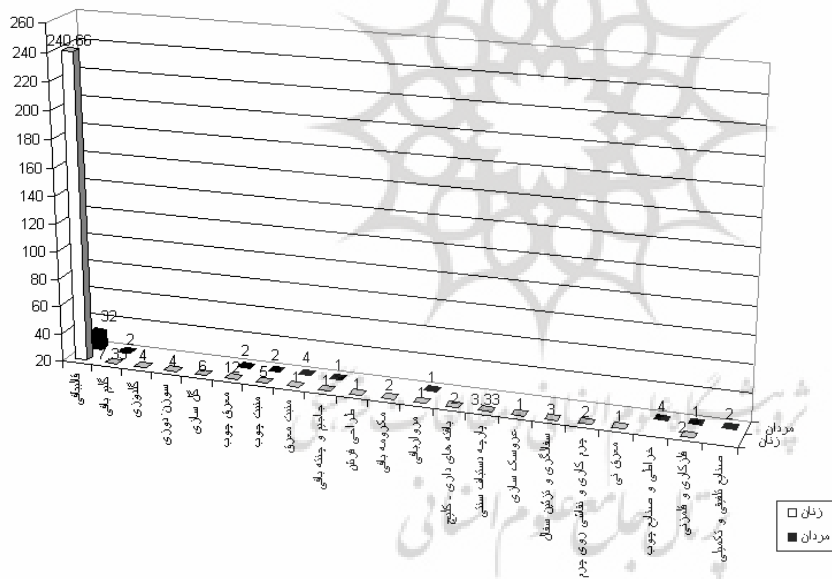
۱- وضعیت کمی زنان شاغل در مقایسه با مردان

بررسی وضعیت کمی زنان شاغل در قالب نمودارهای (۱) و (۲) نشان می‌دهد که نسبت و میانگین جمعیت زنان شاغل در بخش صنایع دستی در شهرستان ساری در مقایسه با مردان در طی دوره‌ی اول (۱۳۷۵ تا ۱۳۸۰) بین ۱۰ تا ۱۲ برابر است. ولی این رقم ناگهان در سال ۱۳۸۱ کاهش یافته و حدوداً به ۵ تا ۶ برابر مردان می‌رسد. این روند نزولی که در آمار بقیه‌ی سازمان‌ها نیز نسبت به دوره‌ی قبل مشاهده می‌شود، گویای آهنگی نامتوازن و افت شدید میزان فعالیت آنان در بخش صنایع دستی است. انتظار درخور این است که همه ساله نه تنها ناظر سیر نزولی کمیّت اشتغال زنان در مقایسه با مردان نباشیم، بلکه حرکتی جهشی و متحولانه را در افزایش این میزان نظاره‌گر باشیم.

نکته‌ی دیگر این که طبق این تحلیل بیشترین جمعیت زنان شاغل در رشته‌ی فرش فعّالند و نسبت آن با رشته‌های دیگر صنایع دستی تقریباً ۴۰ به ۱ است. یعنی به ازای هر چهل نفر قالی‌باف یک نفر در رشته‌های دیگر صنایع دستی فعالیت دارد. پس از فرش، رشته‌هایی چون گلیم‌بافی، سوزن‌دوزی، گل‌دوزی و هنرهای چوبی در اولویت قرار دارند. این روند تقریباً در سال جاری نیز مشابه است. (نمودارهای ۱ و ۲)



نمودار شماری ۱. متوسط سالانه تعداد زنان شاغل در بخش صنایع دستی در مقایسه با مردان در شهرستان ساری - از سال ۱۳۷۵ تا ۱۳۸۰ (۱۷)



وضعیت اشتغال زنان استان مازندران در ۵۰

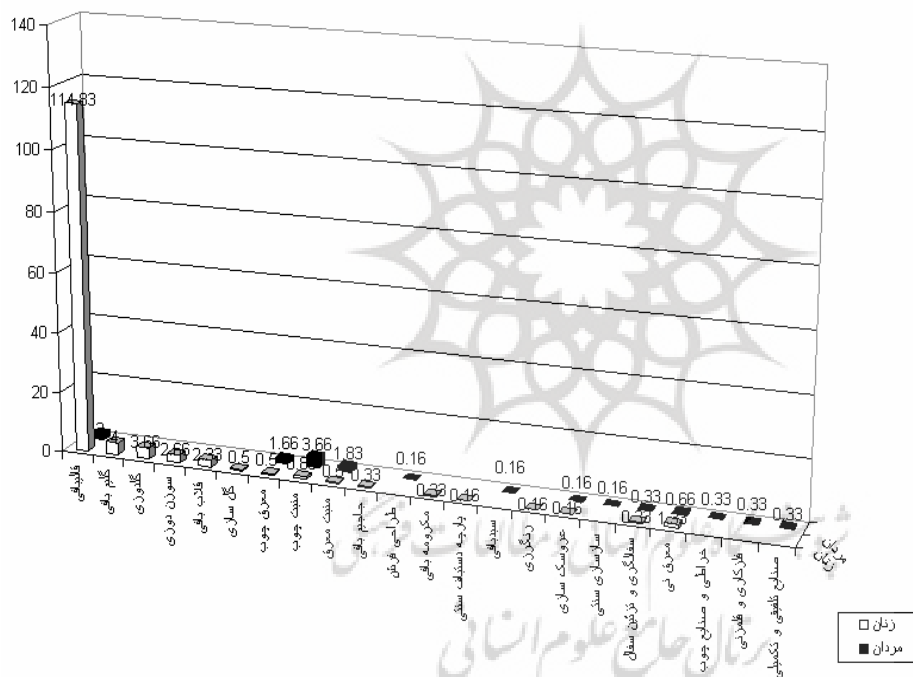
نمودار شماره ۲. متوسط تعداد زنان شاغل در بخش صنایع دستی در مقایسه با مردان
در شهرستان ساری - نیمه اول سال ۱۳۸۱^(۱۳)



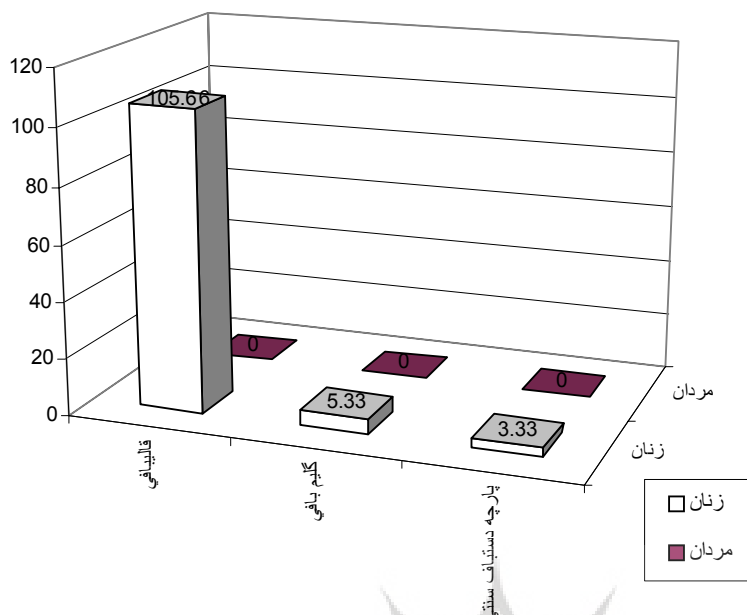
پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

۲- وضعیت کمی زنان شاغل بهره‌مند از تسهیلات وام اشتغال یا خوداشتغالی در مقایسه با مردان

بررسی وضعیت کلی زنان شاغل بهره‌مند از تسهیلات وام اشتغال یا خوداشتغالی در قالب نمودارهای (۳) و (۴) نشان می‌دهد که نسبت و میانگین جمعیت زنان شاغل بهره‌مند از این تسهیلات در بخش صنایع دستی در شهرستان ساری در مقایسه با مردان در دوره‌ی اول (از سال ۱۳۷۵ تا ۱۳۸۰) بین ۱۰ تا ۱۲ برابر است و این رقم در دوره‌ی اخیر (۱۳۸۱) درخصوص زنان، مشابه می‌باشد، ولی در مورد مردان رشد بیشتری یافته است. بیشترین میزان بهره‌مندی از این تسهیلات مربوط به فرش و بعد از آن رشته‌های مربوط به نساجی سنتی مثل گلیم‌بافی، گل‌دوزی، قلاب‌بافی و سوزن‌دوزی می‌باشد و در اولویت‌های بعدی هنرهای چوبی مد نظر قرار گرفته است. (نمودارهای ۳ و ۴)



نمودار شماری ۳. متوسط سالانه تعداد زنان شاغل بهره‌مند از تسهیلات وام اشتغال یا خوداشتغالی در بخش صنایع دستی در مقایسه با مردان در شهرستان ساری از سال ۱۳۷۵ تا ۱۳۸۰. (۱۲)



نمودار شماره ۴. متوسط تعداد زنان شاغل بهرمنند از تسهیلات وام اشتغال یا خوداشتغالی در بخش صنایع دستی در مقایسه با مردان در شهرستان ساری، نیمه اول سال ۱۳۸۱. (۱۵)

۳- وضعیت سنی و تأهل زنان شاغل در مقایسه با مردان

بررسی وضعیت سنی زنان شاغل در قالب جداول شماره ۱ و ۲ گویای آن است که بیشترین عدد سنی فعال در بخش صنایع دستی در شهرستان ساری چه از سوی زنان و چه مردان بین ۲۵ تا ۳۴ سال و کمترین آن بین ۵۵ سال به بالا می باشد، و البته نسبت بهره‌مندی زنان با مردان در این میانگین سنی ۱۵ تا ۱۷ برابر است که رقم قابل توجهی را از نظر جمعیت سنی فعال زنان در بخش صنایع دستی نشان می‌دهد. اما در دوره‌ی اخیر (نیمه اول ۱۳۸۱) تعداد جوانترها (یعنی ۱۵ تا ۲۴ سال) رو به فزونی می‌رود. طبق همین تحلیل آماری بیشترین اولویت شغلی در صنایع دستی در رشته‌ی قالی‌بافی و سپس گلیم بافی و هنرهای چوبی می‌باشد. غالب زنان و مردان شاغل در بخش صنایع دستی متأهل می‌باشند.



پروہشگاہ علوم انسانی و مطالعات فرہنگی
پرتال جامع علوم انسانی

وضعیت اشتغال زنان مازندران در ۵۴

جدول شماره ۱. متوسط سالانه وضعیت سنی و تأهل زنان شاغل در بخش صنایع دستی در مقایسه با مردان در شهرستان ساری، از سال ۱۳۷۵ تا ۱۳۸۰.^(۱۴)

ردیف	رشته‌ی شغلی	متوسط سالانه تعداد زنان						متوسط سالانه تعداد مردان							
		۱۵ تا ۲۴	۲۵ تا ۳۴	۳۵ تا ۴۴	۴۵ تا ۵۴	۵۵ به بالا	متاهل	مجرد	۱۵ تا ۲۴	۲۵ تا ۳۴	۳۵ تا ۴۴	۴۵ تا ۵۴	۵۵ به بالا	متاهل	مجرد
۱	قالی بافی	۸/۳۳	۳۸	۲۳/۱۶	۷/۵	۰/۶۶	۷۳/۳۳	۱۷/۶۶	۰/۳۳	۱/۵	۰/۳۳	۰/۳۳	—	۲/۵	۱/۱۶
۲	گلیم بافی	۰/۸۳	۳/۱۶	۱/۶۶	۰/۳۳	۰/۱۶	۳/۶۶	۲/۵	۰/۱۶	—	۰/۱۶	—	۰/۱۶	—	
۳	گل دوزی	—	۳/۶۶	۱/۸۳	۱	۰/۱۶	۵	۱/۳۳	—	۰/۱۶	—	—	۰/۱۶	—	
۴	قلاب بافی	۰/۶۶	۱/۳۳	۰/۱۶	۰/۱۶	—	۰/۸۳	۱/۵	—	—	—	—	—	—	
۵	گل سازی	۰/۸۳	۰/۱۶	—	—	۰/۱۶	۱	۰/۶۶	۰/۱۶	—	—	—	۰/۱۶	—	
۶	معرق چوب	۱/۵	۲/۱۶	۰/۸۳	—	—	۱/۸۳	۲/۶۶	۰/۳۳	۰/۵	۰/۳۳	—	۰/۳۳	۰/۵	
۷	منبت چوب	—	۰/۱۶	—	—	—	۰/۱۶	—	—	۰/۵	۰/۱۶	—	۰/۸۳	۰/۳۳	
۸	جاجیم بافی	—	—	—	—	—	—	—	—	—	—	—	۰/۱۶	—	
۹	عروسک سازی	—	۰/۱۶	—	—	—	۰/۱۶	—	—	—	—	—	—	—	
۱۰	سفالگری و تزیین سفال	۰/۱۶	۰/۱۶	—	—	—	۰/۱۶	—	—	—	—	—	—	—	
جمع		۱۲/۳۱	۴۸/۹۵	۲۷/۶۴	۸/۹۹	۱/۱۴	۸۶/۱۳	۲۶/۳۱	۰/۸۲	۲/۸۲	۱/۶۶	۰/۴۹	—	۴/۳	۱/۹۹

جدول شماره‌ی ۲. متوسط وضعیت سنی و تأهل زنان شاغل در بخش صنایع دستی در مقایسه با مردان در شهرستان ساری، نیمه‌ی اول سال ۱۳۸۱.^(۱۷)

ردیف	رشته‌ی شغلی	متوسط سالانه تعداد زنان						متوسط سالانه تعداد مردان					
		۲۴ تا ۱۵	۲۴ تا ۲۵	۲۴ تا ۳۵	۲۴ تا ۴۵	۲۴ تا ۵۵	مجموع	۲۴ تا ۱۵	۲۴ تا ۲۵	۲۴ تا ۳۵	۲۴ تا ۴۵	۲۴ تا ۵۵	مجموع
۱	قالی‌بافی	۲	۲	۲	۲	۲	۴	۵	۴	۴	۴	۴	۴
۲	گلیم‌بافی	—	—	—	—	—	—	—	—	—	—	—	—
۳	گل‌دوزی	—	۲	—	—	—	۲	—	—	—	—	—	—
۴	گل‌سازی	۴	۱	—	—	—	۳	۳	۱	—	—	—	—
۵	معرق چوب	۴	۱	—	—	—	۴	۱	—	—	—	—	—
۶	منبت چوب	—	۱	—	—	—	—	۱	—	—	—	—	—
	جمع	۱۱	۸	۳	—	—	۱۳	۱۰	۱	—	—	—	۲

۴- وضعیت تحصیلی زنان شاغل در مقایسه با مردان

بررسی تحصیلی زنان شاغل در بخش صنایع دستی در شهرستان ساری در قالب جداول شماره‌ی (۳) و (۴) نشان می‌دهد که بیشترین جمعیت زنان و مردان شاغل در این بخش در دوره‌ی اول از سال ۱۳۷۵ تا ۱۳۸۰ تا سطح ابتدایی تحصیل کرده‌اند. پس از آن مدارک دیپلم و سیکل از اولویت بیشتری برخوردار است. کمترین اولویت تحصیلی در این قشر لیسانس و بالاتر است. اما در دوره‌ی دوم یعنی نیمه‌ی اول ۱۳۸۱ درصد تحصیل کرده‌ها تا سطح دیپلم افزایش می‌یابد و این سطح بیشترین تعداد شاغلین را به خود اختصاص می‌دهد. البته این مصداق در بخش زنان بسیار بیشتر از مردان است.



جدول شماره ۳. متوسط سالانه وضعیت تحصیلی زنان شاغل در بخش صنایع دستی در مقایسه با مردان در شهرستان ساری،
از سال ۱۳۷۵ تا ۱۳۸۰^(۱۸)

ردیف	رشته‌ی شغلی	متوسط سالانه تعداد زنان						متوسط سالانه تعداد مردان					
		توسواد	ابتدایی	راهنمایی و سیکل	متوسطه و دیپلم	فوق دیپلم	لیسانس به بالا	بی سواد	ابتدایی	راهنمایی و سیکل	متوسطه و دیپلم	فوق دیپلم	لیسانس به بالا
۱	قالی بافی	۶/۳۳	۲۷/۳۳	۲۸/۳۳	۲۱/۵	۰/۵	۰/۳۳	۰/۶۶	۱/۳۳	۰/۸۳	۱/۳۳	۰/۱۶	۰/۱۶
۲	گلیم بافی	۰/۱۶	۱	۲/۳۳	۲/۱۶	--	۰/۳۳	--	--	۰/۱۶	--	--	--
۳	جاجیم بافی	--	--	--	--	--	--	--	--	۰/۱۶	--	--	--
۴	گل دوزی	۰/۵	۲/۳۳	۰/۶۶	۲/۸۳	--	--	--	--	--	--	--	--
۵	قلاب بافی	۰/۱۶	۰/۵	۰/۳۳	۱	۰/۳۳	--	--	--	--	--	--	--
۶	گل سازی	۰/۱۶	۰/۱۶	۰/۶۶	۰/۵	--	۰/۱۶	--	--	--	--	--	--
۷	عروسک سازی	--	۰/۱۶	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--
۸	معرّف چوب	--	۰/۸۳	۱	۲/۱۶	--	۰/۱۶	--	--	--	--	۰/۱۶	۰/۱۶
۹	منبّت چوب				۰/۱۶	--	--	--	۰/۱۶	--	--	۰/۱۶	۰/۸۳
۱۰	سفالگری و تزیین سفال	--	--	--	۰/۱۶	--	--	--	--	--	--	--	--
	جمع	۷/۳۱	۳۲/۳۱	۳۳/۴۷	۳۰/۳۱	۰/۸۳	۰/۹۸	۰/۸۲	۱/۴۹	۲/۱۴	۲/۴۸	--	۰/۳۲

جدول شماره ۴. متوسط وضعیت تحصیلی زنان شاغل در بخش صنایع دستی در مقایسه با مردان در شهرستان ساری،
نیمه‌ی اول سال ۱۳۸۱^(۱۹)

ردیف	رشته‌ی شغلی	متوسط سالانه تعداد زنان						متوسط سالانه تعداد مردان					
		بی‌سواد	ابتدایی	راهنمایی و سیکل	متوسطه و دیپلم	فوق دیپلم	لیسانس به بالا	بی‌سواد	ابتدایی	راهنمایی و سیکل	متوسطه و دیپلم	فوق دیپلم	لیسانس به بالا
۱	قالی بافی	--	۴	۱	۴	--	--	--	--	--	--	--	--
۲	گلیم بافی	--	--	--	--	--	--	--	۱	--	--	--	--
۳	گل‌دوزی	--	۱	۱	--	--	--	--	--	--	--	--	--
۴	گل‌سازی	--	۱	۲	۳	--	--	--	--	--	--	--	--
۵	معرّق چوب	--	--	۱	۴	--	--	--	--	۱	--	--	--
۶	منبت چوب	۱	--	--	--	--	--	--	۱	--	--	--	--
جمع		۱	۶	۵	۱۱	--	--	--	۲	۱	--	--	--

۵- وضعیت کیفی اشتغال زنان در مقایسه با مردان به طور متوسط

براساس تحلیل آمارهای ارائه شده از سوی سازمان‌های ذی‌ربط استان مازندران در شهرستان ساری، کیفیت اشتغال زنان در مقایسه با مردان در بخش صنایع دستی در طی یک دوره‌ی شش ساله از سال ۱۳۷۵ تا ۱۳۸۰ به شرح ذیل است:

رشته‌های صنایع دستی علیرغم طاقت فرسا بودن و صرف وقت، و نیاز داشتن به نیروی فراوان غالباً شغل اصلی زنان را تشکیل می‌دهد. محل کار آن‌ها بیشتر در کارگاه و گاهی در خانه می‌باشد. زنان شهر و روستا تقریباً به یک میزان به این بخش علاقه نشان می‌دهند. حضور آنان پاره وقت است و اغلب قبل از آغاز شغل، در مراکز آموزش رسمی همچون سازمان آموزش فنی و حرفه‌ای، مراکز آموزش جهاد کشاورزی و یا آموزشگاه‌های معتبر خصوصی آموزش دیده و در سطح حرفه‌ای و برخی نیمه حرفه‌ای فعالیت می‌کنند. علاقه، پشتکار، ابتکار و خلاقیت خوبی دارند و از این منظر تفاوتی با مردان ندارند. میانگین تولید سالانه‌ی فرش توسط زنان ۲۲ مترمربع و در مورد دیگر رشته‌های صنایع دستی ۵۰ تا ۱۰۰۰ عدد محصول در سال می‌باشد. هرکدام از زنان به طور متوسط بین ۲ تا ۳ نفر از اعضای خانواده‌ی خود را سرپرستی می‌کنند. درآمدی متوسط دارند و عمده‌ترین شکایت آن‌ها از شغل خود، عدم صرفه‌ی اقتصادی و نبود بازار فروش مناسب محصولات صنایع دستی می‌باشد (جدول شماره ۵). از آن جا که از سوی هیچ یک از سازمان‌های ذی‌ربط استان هنوز در خصوص وضعیت کیفی اشتغال شاغلین در بخش صنایع دستی مربوط به نیمه‌ی اول سال ۱۳۸۱ آمار منسجم و دقیقی تهیه نشده است، امکان بررسی و تحلیل این وضعیت در نیمه‌ی اول سال ۱۳۸۱ میسر نمی‌باشد.

جدول شماره ۵. وضعیت کیفی اشتغال زنان در بخش صنایع دستی در مقایسه با مردان به طور متوسط در شهرستان ساری، از سال ۱۳۷۵ تا ۱۳۸۰ (۲۰)

ردیف	رشته‌ی شغلی	شغل اصلی یا فرعی		در خانه یا کارگاه		در شهر یا روستا		پاره‌وقت یا تمام‌وقت		وضعیت آموزشی (آکادمیک یا تجربی)		میزان مهارت (حرفه‌ای یا نیمه حرفه‌ای)		میزان علاقه و پشتکار		میزان ابتکار و خلاقیت		ظرفیت تولید سالانه		تعداد اعضای خانوار تحت سرپرستی		میزان درآمد		مشکل اساسی شاغل	
		مرد	زن	مرد	زن	مرد	زن	مرد	زن	مرد	زن	مرد	زن	مرد	زن	مرد	زن	مرد	زن	مرد	زن	مرد	زن	مرد	زن
۱	قالی بافی	فرعی	-	-	خانه	هر دو	-	پاره وقت	-	آکادمیک	-	حرفه‌ای نیمه	-	خوب	-	متوسط	-	۲۲ متر مربع	۷ نفر	-	-	متوسط	عدم صرفه اقتصادی	-	
۲	جاچیم بافی	-	اصلی	-	خانه	-	شهر	-	تمام وقت	-	تجربی	حرفه‌ای	خوب	-	خوب	-	خوب	قطعه ۲۵۰۰	۲ نفر	-	متوسط	عدم صرفه اقتصادی	-		
۳	گل دوزی	اصلی	-	-	خانه	روستا	-	پاره وقت	-	آکادمیک	-	حرفه‌ای نیمه	خوب	-	خوب	-	خوب	۹	۳	-	متوسط	عدم صرفه اقتصادی	-		
۴	گل سازی	اصلی	-	-	کارگاه	شهر	-	تمام وقت	-	آکادمیک	-	حرفه‌ای	خوب	-	خوب	-	خوب	بیش از ۵۰ عدد	۳	-	متوسط	عدم صرفه اقتصادی	-		
۵	عروسک سازی	اصلی	-	-	کارگاه	شهر	-	تمام وقت	-	تجربی	-	حرفه‌ای نیمه	خوب	-	خوب	-	خوب	۹	۲	-	متوسط	عدم بازار فروش	-		
۶	سفالگری و تزئین سفال	اصلی	-	-	خانه	شهر	-	تمام وقت	-	آکادمیک	-	حرفه‌ای	خوب	-	خوب	-	خوب	۱۰۰۰ عدد	۳	-	متوسط	عدم بازار فروش	-		



پښتونستان د علومو او انساني مطالعاتو فریښی
پرتال جامع علوم انسانی

نتیجه‌گیری

در این مقاله با بررسی وضعیت نسبی اشتغال زنان در مقایسه با مردان شاغل در بخش صنایع دستی از جنبه‌های مختلف از طریق پالایش و تحلیل آمارهای مأخوذه از سوی سازمان‌های ذی‌ربط استان در منطقه‌ی شاخص شهرستان ساری، به منظور برنامه‌ریزی و سیاستگذاری کلان آتی نتایج زیر حاصل گردیده است:

۱- نسبت و میانگین جمعیت زنان شاغل در بخش صنایع دستی در مقایسه با مردان در طی دوره‌ی اول (۱۳۷۵ تا ۱۳۸۰) بین ۱۰ تا ۱۲ برابر است، ولی این رقم ناگهان در سال ۱۳۸۱ کاهش می‌یابد و حدوداً به ۵ تا ۶ برابر مردان می‌رسد. بیشترین جمعیت زنان شاغل در رشته‌ی فرش فعالند و نسبت آن با رشته‌های دیگر تقریباً ۴۰ به ۱ است. پس از فرش، رشته‌هایی چون گلیم‌بافی، سوزن‌دوزی، گل‌دوزی و هنرهای چوبی اولویت بیشتری دارند.

۲- نسبت و میانگین جمعیت زنان شاغل بهره‌مند از تسهیلات وام اشتغال یا خوداشتغالی در مقایسه با مردان در طی دوره‌ی اول (۱۳۷۵ تا ۱۳۸۰) بین ۱۰ تا ۱۲ برابر است و این رقم در دوره‌ی دوم (۱۳۸۱) در خصوص زنان مشابه می‌باشد، ولی در مورد مردان رشد بیشتری می‌یابد. بیشترین میزان بهره‌مندی از این تسهیلات مربوط به فرش است و بعد از آن رشته‌های گلیم‌بافی، گل‌دوزی، قلاب‌بافی، سوزن‌دوزی و هنرهای چوبی در اولویت قرار دارند.

۳- بیشترین عدد سنی فعال در زنان و مردان در بخش صنایع دستی در دوره‌ی اول (۱۳۷۵ تا ۱۳۸۰) بین ۲۵ تا ۳۴ سال و کمترین آن ۵۵ سال به بالا می‌باشد، که البته نسبت بهره‌مندی زنان با مردان در این میانگین سنی ۱۵ تا ۱۷ برابر است که رقم قابل توجهی را از نظر جمعیت سنی فعال زنان نشان می‌دهد. اما در دوره‌ی دوم (۱۳۸۱) تعداد جوان‌ترها (یعنی ۱۵ تا ۲۴ سال) رو به فزونی می‌رود. غالب زنان و مردان شاغل در این بخش متأهل می‌باشند.

۴- بیشترین جمعیت زنان و مردان شاغل در بخش صنایع دستی در دوره‌ی اول (۱۳۷۵ تا ۱۳۸۰) تا سطح ابتدایی تحصیل کرده‌اند. پس از آن مدارک دیپلم و سیکل از اولویت بیشتر برخوردارند. کمترین اولویت تحصیلی در این قشر لیسانس و بالاتر است. اما در دوره‌ی دوم (۱۳۸۱) درصد تحصیل کرده‌ها تا

سطح (دیپلم) افزایش می‌یابد و این سطح بیشترین تعداد شاغلین را به خود اختصاص می‌دهد. این مصداق در مورد زنان بسیار بیشتر از مردان است.

۵- رشته‌های صنایع دستی علیرغم طاقت فرسا بودن و صرف وقت و نیروی فراوان، غالباً شغل اصلی زنان را همچون مردان تشکیل می‌دهند. محل کار آن‌ها بیشتر در کارگاه و گاهی در خانه می‌باشد. زنان شهر و روستا تقریباً به یک میزان به این بخش علاقه نشان می‌دهند. حضور آن‌ها پاره‌وقت است و اغلب قبل از آغاز شغل در یکی از مراکز آموزش رسمی همچون سازمان آموزش فنی و حرفه‌ای، مرکز آموزش جهاد کشاورزی و یا آموزشگاه‌های معتبر خصوصی آموزش دیده‌اند و در سطح حرفه‌ای و برخی نیمه‌حرفه‌ای فعالیت می‌کنند. علاقه، پشتکار، ابتکار و خلاقیت خوبی دارند و از این نظر تفاوتی با مردان ندارند. میانگین تولید سالانه‌ی فرش توسط زنان ۲۲ متر مربع و در مورد رشته‌های دیگر صنایع دستی بین ۵۰ تا ۱۰۰۰ عدد محصول در سال می‌باشد. هرکدام از زنان به طور متوسط بین ۲ تا ۳ نفر از اعضای خانواده‌ی خود را سرپرستی می‌کنند. اغلب درآمدی متوسط دارند و عمده‌ترین شکایت آن‌ها از شغل خود عدم صرفه‌ی اقتصادی و نبود بازار فروش مناسب می‌باشد.

پی‌نوشت‌ها

- ۱- مرکز آمار ایران، سرشماری‌های نفوس و مسکن سال‌های ۱۳۵۵، ۱۳۶۵، ۱۳۷۵، تهران.
- ۲- ژاله شادی‌طلب، توسعه و چالش‌های زنان ایران، قطره، تهران، ۱۳۸۱، ص ۱۵۶.
- ۳- محاسبه و برگرفته شده از سرشماری‌های عمومی نفوس و مسکن در سال‌های مذکور و طرح آمارگیری از ویژگی‌های اشتغال و بی‌کاری خانوار در سال ۱۳۸۰، به نقل از علی هاشمی، «اشتغال، مهمترین چالش زنان در جامعه‌ی کنونی ایران»، مجموعه مقاله‌های همایش آموزش، اشتغال زنان و توسعه‌ی ملی، چاپ اول، دانشکده‌ی علوم انسانی و اجتماعی دانشگاه مازندران، بابلسر، ۱۳۸۱، ص ۲۲۵.
- 4- Yearbook of Labour Statistics (ILO) Geneva, 2001.
- ۵- «بررسی وضعیت اشتغال زنان در کشورهای در حال توسعه و کشورهای صنعتی منتخب در پایان سال ۲۰۰۰»، مجموعه مقاله‌های همایش آموزش، اشتغال زنان و توسعه‌ی ملی، چاپ اول، دانشکده‌ی علوم انسانی و اجتماعی دانشگاه مازندران، بابلسر، ۱۳۸۱، ص ۲۴۲ و ۲۴۳.
- 6- Yearbook of Labour Statistics (ILO) Geneva, 2001.
- ۷- در بین کشورهای صنعتی نیز هلند در گروه‌های سنی ۱۵-۱۹ ساله، ۲۰-۲۴ ساله و ۲۵-۲۹ ساله بالاترین میزان فعالیت زنان را به خود اختصاص داده است و در گروه سنی ۳۰-۳۴ ساله و بیشتر، کشور اسلواکی بالاترین میزان فعالیت زنان را دارا می‌باشد. (به نقل از همان)
- ۸- «تأثیر آموزش بر اشتغال زنان در استان مازندران»، مجموعه مقاله‌های همایش آموزش، اشتغال زنان و توسعه‌ی ملی، چاپ اول، دانشکده‌ی علوم انسانی و اجتماعی دانشگاه مازندران، بابلسر، ۱۳۸۱، ص ۱۴۰.
- ۹- «سهم صنایع دستی در تولید ناخالص ملی ایران»، روزنامه اطلاعات، اطلاعات اقتصادی، شماره ۲۲۵۱۳، تهران، ۱۳۸۱/۴/۴، ص ۲۰.
- ۱۰- همان.
- ۱۱- روزنامه اطلاعات، شماره ۲۲۲۷۲، تهران، ۱۳۸۱/۵/۲۷، ص ۱۱.

۱۲- این نمودار از تجمیع متوسط زنان شاغل در بخش صنایع دستی در مقایسه با مردان در شهرستان ساری بر اساس گزارش‌های اداره کل کار و امور اجتماعی، اداره‌ی صنایع دستی، سازمان جهاد کشاورزی (مدیریت صنایع روستایی) و اداره کل کمیته‌ی امداد امام خمینی (ره) از سال ۱۳۷۵ تا ۱۳۸۰ به دست آمده و شامل میانگین تعداد زنان شاغل یا جویای شغل، تعداد کارت شناسایی یا پروانه‌ی اشتغال و نیز میزان اشتغال کارت‌های شناسایی صادر شده از سوی ادارات مذکور می‌باشد.

۱۳- این نمودار از تجمیع متوسط زنان شاغل در بخش صنایع دستی در مقایسه با مردان در شهرستان ساری براساس گزارش‌های اداره کل کار و امور اجتماعی، اداره‌ی صنایع دستی، سازمان جهاد کشاورزی (مدیریت صنایع روستایی) و اداره کل بهزیستی استان در نیمه‌ی اول سال ۱۳۸۱ به دست آمده و شامل تعداد زنان شاغل یا جویای شغل، تعداد کارت شناسایی یا پروانه‌ی اشتغال و نیز میزان اشتغال کارت‌های شناسایی صادر شده از سوی ادارات مذکور می‌باشد.

۱۴- این نمودار از تجمیع متوسط زنان شاغل بهره‌مند از تسهیلات وام اشتغال یا خوداشتغالی در بخش صنایع دستی در مقایسه با مردان در شهرستان ساری براساس گزارش‌های اداره کل کار و امور اجتماعی، اداره‌ی صنایع دستی، سازمان جهاد کشاورزی (مدیریت صنایع روستایی) و اداره کل کمیته‌ی امداد امام خمینی (ره) استان از سال ۱۳۷۵ تا ۱۳۸۰ به دست آمده است. در این نمودار ذکر چند نکته‌ی زیر ضروری است:

الف- بر اساس گزارش اداره کل کار و امور اجتماعی استان مازندران، در نیمه‌ی اول ۱۳۸۱ هیچ کدام از شاغلین در بخش صنایع دستی از تسهیلات وام اشتغال یا خوداشتغالی بهره‌مند نشده‌اند.

ب- براساس گزارش اداره‌ی صنایع دستی استان مازندران، در نیمه‌ی اول ۱۳۸۱ هیچ کدام از شاغلین در بخش صنایع دستی از تسهیلات وام اشتغال یا خوداشتغالی بهره‌مند نشده‌اند.

ج- براساس گزارش اداره کل کمیته‌ی امداد امام خمینی (ره) استان مازندران، در نیمه‌ی اول ۱۳۸۱ هیچ کدام از شاغلین در بخش صنایع دستی از تسهیلات وام اشتغال یا خوداشتغالی بهره‌مند نشده‌اند.

۱۵- این نمودار از تجمیع متوسط زنان شاغل بهره‌مند از تسهیلات وام اشتغال یا خوداشتغالی در بخش صنایع دستی در مقایسه با مردان در شهرستان ساری براساس گزارش‌های سازمان جهاد کشاورزی (مدیریت صنایع روستایی) و اداره کل بهزیستی استان در نیمه‌ی اول سال ۱۳۸۱ به دست آمده است.

۱۶- این جدول از تجمیع متوسط وضعیت سنی و تأهل زنان شاغل در بخش صنایع دستی در مقایسه با مردان در شهرستان ساری براساس گزارش‌های اداره کل کار و امور اجتماعی، سازمان جهاد کشاورزی و اداره کل کمیته‌ی امداد امام خمینی (ره) استان، از سال ۱۳۷۵ تا ۱۳۸۰ به دست آمده و شامل متوسط وضعیت سنی ۱۵ تا ۲۴، ۲۵ تا ۳۴، ۳۵ تا ۴۴، ۴۵ تا ۵۴ و ۵۵ به بالا و نیز تأهل زنان و مردان می‌باشد.

۱۷- این جدول از تجمیع وضعیت سنی و تأهل زنان شاغل در بخش صنایع دستی در مقایسه با مردان در شهرستان ساری براساس گزارش اداره کل کار و امور اجتماعی استان در نیمه‌ی اول سال ۱۳۸۱ به دست آمده و ذکر چند نکته‌ی زیر ضروری است:

الف- بر اساس گزارش سازمان جهاد کشاورزی استان مازندران، هنوز در خصوص وضعیت سنی و تأهل شاغلین در بخش صنایع دستی مربوط به نیمه‌ی اول ۱۳۸۱ آمار منسجم و دقیقی تهیه نشده است.

ب- براساس گزارش اداره کل کمیته‌ی امداد امام خمینی (ره) استان مازندران، هنوز در خصوص وضعیت سنی و تأهل شاغلین در بخش صنایع دستی مربوط به نیمه‌ی اول ۱۳۸۱ آمار منسجم و دقیقی تهیه نشده است.

۱۸- این جدول از تجمیع متوسط وضعیت تحصیلی زنان شاغل در بخش صنایع دستی در مقایسه با مردان در شهرستان ساری براساس گزارش‌های اداره کل کار و امور اجتماعی، سازمان جهاد کشاورزی و اداره کل کمیته‌ی امداد امام خمینی (ره) استان از سال ۱۳۷۵ تا ۱۳۸۰ به دست آمده و شامل متوسط

وضعیت تحصیلی بی‌سواد، ابتدایی، راهنمایی و سیکل، متوسطه و دیپلم، فوق دیپلم، لیسانس به بالا می‌باشد.

۱۹- این جدول از تجمیع متوسط وضعیت تحصیلی زنان شاغل در بخش صنایع دستی در مقایسه با مردان در شهرستان ساری براساس گزارش اداره کل کار و امور اجتماعی در نیمه‌ی سال ۱۳۸۱ به دست آمده و شامل متوسط وضعیت تحصیلی بی‌سواد، ابتدایی، راهنمایی و سیکل، متوسطه و دیپلم، فوق دیپلم، لیسانس به بالا می‌باشد و ذکر چند نکته‌ی زیر ضروری است:

الف- براساس گزارش سازمان جهاد کشاورزی استان مازندران، هنوز درخصوص وضعیت تحصیلی شاغلین در بخش صنایع دستی مربوط به نیمه‌ی اول ۱۳۸۱ آمار منسجم و دقیقی تهیه نشده است.

ب- براساس گزارش اداره کل کمیته‌ی امداد امام خمینی (ره) استان مازندران، هنوز درخصوص وضعیت تحصیلی شاغلین در بخش صنایع دستی مربوط به نیمه‌ی اول ۱۳۸۱ آمار منسجم و دقیقی تهیه نشده است.


۲۰- این جدول از بررسی وضعیت کیفی اشتغال زنان در بخش صنایع دستی در مقایسه با مردان به طور متوسط در شهرستان ساری براساس گزارش‌های سازمان جهاد کشاورزی و اداره کل کار و امور اجتماعی استان از سال ۱۳۷۵ تا ۱۳۸۰ به دست آمده است.

از آن جا که از سری هیچ یک از سازمان‌های ذی‌ربط استان از جمله دو سازمان مذکور هنوز درخصوص وضعیت کیفی اشتغال شاغلین در بخش صنایع دستی مربوط به نیمه‌ی اول سال ۱۳۸۱ آمار منسجم و دقیقی تهیه نشده است، امکان بررسی و تحلیل این وضعیت در نیمه‌ی اول سال ۱۳۸۱ میسر نمی‌باشد.

منابع و مأخذ

- ۱- آمارهای ارائه شده از سوی اداره کل کار و امور اجتماعی استان مازندران، مهر ۱۳۸۱.
- ۲- آمارهای ارائه شده از سوی اداره صنایع دستی استان مازندران، مهر ۱۳۸۱.
- ۳- آمارهای ارائه شده از سوی سازمان جهاد کشاورزی استان مازندران (اداره صنایع روستایی و اداره ترویج و مشارکت مردمی)، مهر ۱۳۸۱.
- ۴- آمارهای ارائه شده از سوی اداره کل کمیته امداد امام خمینی (ره) استان مازندران، مهر ۱۳۸۱.
- ۵- آمارهای ارائه شده از سوی اداره کل بهزیستی استان مازندران، مهر ۱۳۸۱.
- ۶- دانشکده‌ی علوم انسانی و اجتماعی: *اشتغال، مهمترین چالش زنان در جامعه‌ی کنونی ایران*، مجموعه مقاله‌های همایش آموزش، اشتغال زنان و توسعه ملی، چاپ اول، دانشکده‌ی علوم انسانی و اجتماعی دانشگاه مازندران، بابلسر، ۱۳۸۱.
- ۷- دانشکده‌ی علوم انسانی و اجتماعی: *بررسی وضعیت اشتغال زنان در کشورهای در حال توسعه و کشورهای صنعتی منتخب در پایان سال ۲۰۰۰*، مجموعه مقاله‌های همایش آموزش، اشتغال زنان و توسعه ملی، چاپ اول، دانشکده‌ی علوم انسانی و اجتماعی دانشگاه مازندران، بابلسر، ۱۳۸۱.
- ۸- پاکباز، رویین: *دایره‌المعارف هنر، فرهنگ معاصر*، چاپ دهم، تهران، تابستان ۱۳۷۹.
- ۹- پوپ، آرتور آپهام: *شاهکارهای هنر ایران*، شرکت انتشارات علمی و فرهنگی، چاپ دوم، تهران، ۱۳۸۰.
- ۱۰- دانشکده‌ی علوم انسانی و اجتماعی: *تأثیر آموزش بر اشتغال زنان در استان مازندران*، مجموعه مقاله‌های همایش آموزش، اشتغال زنان و توسعه ملی، چاپ اول، دانشکده‌ی علوم انسانی و اجتماعی دانشگاه مازندران، بابلسر، ۱۳۸۱.
- ۱۱- حقیقت (رفیع)، عبدالرفیع: *تاریخ هنرهای ملی و هنرمندان ایرانی (از کهن‌ترین زمان تاریخی تا پایان دوره‌ی قاجاریه - از مانی تا کمال الملک)*، شرکت مؤلفان و مترجمان ایران، چاپ اول، تهران، ۱۳۶۹.

- ۶۵ پژوهشنامه‌ی علوم انسانی و اجتماعی / سال چهارم / شماره سیزدهم / سال ۸۳
- ۱۲- دانشگر، احمد: فرهنگ جامع فرش یادواره (دانشنامه‌ی ایران)، سازمان چاپ و انتشارات یادواره اسدی، چاپ اول، تهران، ۱۳۷۶.
- ۱۳- روزنامه‌ی اطلاعات: شماره ۲۲۲۷۲، تهران، ۱۳۸۰/۵/۲۷.
- ۱۴- مرکز آمار ایران: سرشماری نفوس و مسکن سال‌های ۱۳۵۵ و ۱۳۶۵ و ۱۳۷۵، تهران.
- ۱۵- روزنامه‌ی اطلاعات، سهم صنایع دستی در تولید ناخالص ملی ایران، اطلاعات اقتصادی، شماره ۲۲۵۱۳، تهران، ۱۳۸۱/۴/۴.
- ۱۶- شادی‌طلب، ژاله: توسعه و چالش‌های زنان ایران، قطره، تهران، ۱۳۸۱.
- ۱۷- مرکز آمار ایران: طرح آماری از ویژگی‌های اشتغال و بی‌کاری خانوار ۱۳۸۰، تهران.
- ۱۸- دانشکده‌ی علوم انسانی و اجتماعی: مجموعه مقاله‌های همایش آموزش، اشتغال زنان و توسعه‌ی ملی، چاپ اول، دانشکده‌ی علوم انسانی و اجتماعی دانشگاه مازندران، بابلسر، ۱۳۸۱.
- ۱۹- معین، محمد: فرهنگ فارسی (۶ ج)، امیرکبیر، چاپ هشتم، تهران، ۱۳۷۱.
- 20- Yearbook of Labour Statistics, *International Labour Office (ILO)*, Geneva, 2001.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی